

پژوهش‌های حقوقی

شماره ۹

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال اول

مقالات

- فراز و فرود حقوق هسته ای جمهوری اسلامی ایران : از شورای حکام تا شورای امنیت
- تشکیل قرارداد در فضای سایبر
- قانون قابل اجرا در حمل و نقل هوایی: بررسی سوانح هوایی فوکر ۲۸ (۱۳۷۳) و سی - ۱۳۰ (۱۳۸۴)
- ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر
- جبران خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران به دلیل حملات غیرقانونی ایالات متحد به سکوه‌های نفتی

موضوع ویژه : حقوق سرمایه گذاری در ایران

- بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیرات آن بر بازار سرمایه ایران
- موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (موافقتنامه تریمز) و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری خارجی
- سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال با نگاهی بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
- نظام حمایت از سرمایه گذاران از رهگذر طرح پرداخت غرامت به آنان در حقوق اتحادیه اروپا

نقد و معرفی

- مصلحت اندیشی هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واگذاری رسیدگی برخی جرائم اطفال به دادگاه کیفری استان
- چارچوب حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌های جمهوری اسلامی ایران
- نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد





ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر

مهدی حدادی*

چکیده: مسأله نمایش سمبلهای مذهبی در سالهای اخیر در اروپا جنجالبرانگیز بوده است. البته بحثها عمدتاً بر حجاب اسلامی متمرکز بوده و اینکه آیا زنان حق دارند در مکانهای آموزشی از روسری استفاده نمایند. به اعتقاد نهادهای قضائی یا شبه قضائی بین‌المللی از لحاظ قواعد حقوق بشری، نمایش سمبلهای مذهبی یک نوع ابراز مذهب یا عقیده است که در چارچوب ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل محدود شدن می‌باشد. به نظر می‌رسد که نهادهای نظارتی حقوق بشر نباید صرفاً بر رعایت شرایط اعمال محدودیتها مندرج در مواد مذکور تأکید داشته باشند، چرا که با اعمال این محدودیتها ممکن است حقوق بشری غیر از آزادی مذهب یا عقیده در معرض خطر قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: آزادی مذهب، ابراز مذهب، سمبلهای مذهبی، نظم عمومی، حقوق بشر

مقدمه

مسأله سمبلهای مذهبی در سالهای اخیر بطور گسترده در بسیاری از کشورهای اروپایی مورد بحث قرار گرفته است. البته بحثها عمدتاً بر حجاب اسلامی متمرکز بوده و اینکه آیا زنان حق دارند در مکانهای عمومی خودشان را بپوشانند و بویژه آیا کودکان دختر مجازند در مدارس دولتی از روسری استفاده کنند. در کشورهای

* عضو هیأت علمی پردیس قم دانشگاه تهران

اروپایی به استثناء ترکیه بحث در مورد روسری اسلامی بیشتر به مدارس ابتدایی و راهنمایی مربوط می‌شود تا نهادهای آموزش عالی. در بخش‌های فرانسوی زبان بلژیک که هیچ قانون و قاعده‌ای در مورد روسری و اختلافات راجع به این امر وجود ندارد مسأله عموماً در سطح محلی حل شده است و شماری از مدارس دولتی اجازه استفاده از روسری اسلامی را نمی‌دهند. دادگاه‌های بلژیک در پرونده‌هایی که نزد آنها مطرح شده است همواره حکم کرده‌اند که اصول آموزش دولتی برابر و بی‌طرفانه بر آزادی مذهب اولویت دارد.

در فرانسه که «سکولاریزم» یکی از مبانی ارزش‌های جمهوری قلمداد می‌شود مسأله روسری اسلامی در مدارس دولتی به بحث بسیار تندی مبدل شده است. بعد از آنکه «کمسیون مربوط به سکولاریزم» نظر خود را به رئیس جمهور اعلام داشت، مجلس ملی بر اساس اصل سکولاریزم مصوبه‌ای را گذراند که بر اساس آن در مدارس ابتدایی و راهنمایی پوشیدن علائم یا لباس‌هایی که به منزله وابستگی مذهبی خاصی باشد توسط دانش‌آموزان ممنوع است. البته در مورد دانشگاه‌ها «کمسیون مربوط به سکولاریزم»، این امر را مورد توجه قرار داد که باید اولویت به حق بیان اعتقادات مذهبی، سیاسی و فلسفی داده شود. با وجود این در این گزارش بیان شد که چنین بیانی نباید ناقض مقررات کاری دانشگاه‌ها باشد. از سوی دیگر در پاره‌ای از کشورهای اروپایی پس از بحث‌های حقوقی گسترده، نهادهای آموزشی دولتی به دانش‌آموزان مسلمان اجازه داده‌اند که روسری اسلامی بپوشند.

در نهایت این جدال بین مسلمانان با پاره‌ای از کشورهای اروپایی به دیوان اروپایی حقوق بشر، که بر اجرای کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نظارت می‌کند، کشیده شد و دیوان در پرونده لیلا شهین^۱ علیه دولت ترکیه، اقدام دولت را تأیید و آن را منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعلام نمود. اگر چه دیوان در گذشته در خصوص مسأله محدودیت بر آزادی ابراز مذهب اقدام به رسیدگی و صدور حکم نموده بود اما پرونده مذکور از این جهت اهمیت داشت که برای اولین بار مسأله حجاب اسلامی در دیوان مطرح می‌گشت و از لحاظ زمانی نیز حکم دیوان در حساس‌ترین زمان صادر شد که مسأله ممنوعیت حجاب اسلامی در فرانسه و پاره‌ای

¹ Leyla Sahin

از کشورهای اروپایی در صدر اخبار قرار داشت. در سطح جهانی نیز نهادهای شبه قضائی چون کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق کودک، گزارشگر خاص مذهب و عقیده کمسیون حقوق بشر به نوعی راجع به آزادی ابراز مذهب اظهار نظر کرده‌اند. از آنجا که مسأله حجاب اسلامی در مبحث آزادی ابراز مذهب قرار می‌گیرد و از سوی دیگر بر اساس اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای کشورهای عضو حق اعمال محدودیت در خصوص ابراز مذهب را دارند، از اینرو لازم است که مسأله ممنوعیت حجاب اسلامی در پاره‌ای از کشورهای اروپایی را در این چارچوب مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به اینکه پرونده‌ای در این زمینه در دیوان اروپایی حقوق بشر مورد رسیدگی قرار گرفته است. در ضمن بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر حکم دیوان اروپایی در پرونده لیبلا شهین و رویه سابق دیوان مذکور را در رابطه با آزادی مذهب مورد توجه قرار خواهیم داد.

۱- مقررات مربوط به آزادی مذهب در اسناد بین‌المللی

کشورهای اروپایی از جهت تعهدات حقوق بشری تابع مقررات جهانی و منطقه‌ای هستند. از بعد جهانی، تابع میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و از جهت منطقه‌ای تابع کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ و پروتکل‌های ضمیمه آن هستند. از اینرو باید هر دو دسته اسناد بین‌المللی در زمینه آزادی مذهبی در اروپا مورد مطالعه قرار گیرد.

علاوه بر این اسناد بین‌المللی، در سطح منطقه‌ای نقش رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان مجری و مفسر انحصاری و خاص کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های ضمیمه آن و در سطح جهانی تفاسیر کلی کمیته حقوق بشر به عنوان نهاد نظارتی میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ به عنوان منبع فرعی و کمکی قابل توجه می‌باشد. بویژه اینکه در خصوص آزادی مذهبی هر دو نهاد تصمیمات و اظهار نظرهای مهمی ارائه داده‌اند.

رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر و تفاسیر کلی کمیته حقوق بشر و سایر نهادهای حقوق بشری در خصوص آزادی مذهبی و محدودیت‌های قابل اعمال بر آن را در قسمتهای آتی مورد توجه قرار خواهیم داد. در اینجا فقط به اسناد بین‌المللی

مهم اشاره می‌نمائیم.

۱-۱- اسناد بین‌المللی جهانی

دو سند مهم بین‌المللی به موضوع آزادی‌های مذهبی اشاره دارند: اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶. البته اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۸ فقط به آزادی مذهب اشاره دارد و به محدودیتهایی که کشورها می‌توانند بر این آزادی اعمال نمایند اشاره ندارد. اگر چه در بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه در یک قاعده کلی به کشورهای عضو اجازه می‌دهد که اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های افراد را بر اساس قانون و به منظور تأمین حقوق و آزادی دیگران، مقتضیات اخلاقی، نظم عمومی و... محدود نمایند.

در میثاق حقوق مدنی و سیاسی مهمترین ماده‌ای که بطور صریح به آزادی مذهبی و محدودیتهای وارد بر ابراز آن می‌پردازد ماده ۱۸ می‌باشد. مطابق این ماده:

۱. هرکس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور فردی یا جماعت خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.
۲. هیچکس نباید مورد اکراهی واقع شود که به آزادی او در داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خودش لطمه وارد آورد.
۳. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیتهایی نمود مگر آنچه منحصرأ به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد.
۴. دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که آزادی والدین و بر حسب مورد سرپرستان قانونی کودکان را در تأمین آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات خودشان محترم بشمارند.

ماده ۲۶ میثاق نیز اصل تساوی و عدم تبعیض خصوصاً از حیث مذهب را بیان

می‌دارد.

ماده ۲۷ میثاق به حقوق اقلیتهای مذهبی و عمل به دین خود نیز اشاره دارد. ماده ۲۰ (بند ۲) هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد را ممنوع می‌کند. از دیگر اسناد جهانی مرتبط می‌توان به کنوانسیون حقوق کودک، اعلامیه حذف تمام اشکال ناپردباری و تبعیض بر اساس مذهب یا عقیده اشاره نمود.

۲-۱- اسناد منطقه‌ای: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های ضمیمه آن

سه ماده از این کنوانسیون به موضوع مذهب می‌پردازد. قاعده اساسی ماده ۹ است. این ماده که آزادی مذهب، وجدان و فکر را شناسایی می‌کند، محدودیتهایی که در مورد ابراز این آزادی ممکن است وارد شود را بر می‌شمارد. این ماده مقرر می‌دارد:

۱. هرکس حق آزادی فکر، وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی تغییر مذهب یا اعتقادات وی و آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه بطور انفرادی یا جمعی با دیگران و خواه بطور علنی یا در خفا در عبادات و اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی می‌باشد.
۲. آزادی ابراز مذهب یا معتقدات فقط می‌تواند تابع محدودیتهایی قرار گیرد که به موجب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق و یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران در یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد.

ماده ۱۴ اصل تساوی و عدم تبعیض بر اساس مذهب و... را بیان می‌دارد. ماده ۲ پروتکل اول (۱۹۵۲) حقوق والدین در خصوص انتخاب جهت‌گیری مذهبی یا ایدئولوژیکی تعلیم و تربیت فرزندشان را تأیید می‌کند. همانگونه که ملاحظه می‌شود ماده ۹، ۱۴ و ۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل آن تقریباً منطبق با مواد میثاق و اعلامیه جهانی حقوق بشر و بویژه میثاق حقوق مدنی سیاسی ۱۹۶۶ است. از اینرو در بررسی اقدام کشورهای اروپایی در ممنوع ساختن حجاب یا در واقع سمبل‌های مذهبی مشکلی از جهت انطباق اسناد

بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای با یکدیگر وجود ندارد.

۲- آیا آزادی مذهب و عقیده قابل تعلیق است؟

اگر بعضی از حقوق بشر تضمین شده در اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای مطلقاً و هیچ محدودیتی را نمی‌پذیرند، برای اکثریت آنها امکان تحمیل محدودیت در شرایط خاص پیش بینی شده است. بسیاری از مواد حقوق بشری در اولین جمله یا بند خود به بیان حق مورد نظر می‌پردازند، در حالی که در بند بعدی محدودیتهایی برای این حق پیش بینی می‌کنند. از جمله بند ۳ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در رابطه با آزادی ابراز مذهب به این محدودیتها اشاره می‌کنند.

این محدودیتها برای برقراری تعادل بین آزادی‌های فردی و اصول دموکراسی پیش‌بینی شده‌اند.^۲ بدین منظور باید از سوء استفاده از حقوق جلوگیری شده و از نظم عمومی حفاظت به عمل آید.^۳ در این زمینه مقررات معاهدات حقوق بشری همچون ماده ۳۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید دارند که هیچ فرد یا جمعیتی نمی‌تواند به حقوق و آزادی‌های دیگران با استناد به حقوق و آزادی خود که در این اسناد آمده لطمه زند. از سوی دیگر هدف دیگر این محدودیتها حفظ نظم عمومی است. یعنی دولت‌ها اجازه دارند در جهت نظم عمومی اجرای حقوق را محدود نمایند. البته در بعضی موارد، بدون اشاره به اصطلاح نظم عمومی مصادیق آن ذکر می‌گردد که عبارتند از: امنیت عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی و غیره...

در بحث آزادی مذهب، محدودیتهای وارد بر آن دقیقاً با دو هدف فوق‌الذکر در مواد ۱۸ میثاق و ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آمده است.

برای مشخص شدن محدوده بحث و اینکه این نوع محدودیتهای خاص با تعلیق^۴ حقوق موضوع مواد ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۴ میثاق حقوق

^۲ عالیله ارفعی و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین‌المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲، ص ۲۰۶.

^۳ عباس کوچ نژاد، «محدودیتهای حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، نشریه حقوق اساسی، زمستان ۱۳۸۳، سال دوم، ش ۳، ص ۱۷۳.

^۴ Derogation.

مدنی و سیاسی، از یکدیگر تفکیک شود لازم است به تفاوت‌های این دو به اختصار اشاره گردد.

اگرچه تعلیق حقوق زیر مجموعه محدودیت به معنی عام قرار می‌گیرد لیکن از محدودیت‌های خاص که در این مقاله مد نظر است متفاوت می‌باشد. تعلیق حقوق تحت عنوان یک بند کلی در معاهدات حقوق بشری پیش بینی شده است. مطابق این بند، دولت‌ها می‌توانند در مواقعی که یک خطر عمومی و استثنائی، موجودیت کشور را تهدید نماید برخی از حقوق و آزادی‌های مذکور را موقتاً معلق نمایند. البته این تعلیق حقوق مستلزم رعایت یکسری شرایط صوری و ماهوی است.

تفاوت‌های محدودیت‌های خاص با تعلیق را می‌توان در موارد ذیل بیان داشت:

الف - محدودیت‌ها در شرایط عادی اعمال می‌شوند و دائمی هستند اما تعلیق در شرایط بسیار استثنائی اعمال شده و موقتی می‌باشند.^۵

ب - در محدودیت‌ها به تمامیت حق نمی‌توان لطمه وارد نمود، بلکه اجرای آن بطور جزئی محدود می‌شود. در حالی که با تعلیق یک حق، این حق به صورت موقت ولی بطور کامل قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد.^۶

ج - بر اساس مواد ۴ میثاق و ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر پاره‌ای از حقوق از جمله آزادی مذهب به هیچوجه و تحت هیچ شرایطی قابل تعلیق نیستند.

بدین ترتیب بحث محدودیت‌های وارد بر آزادی ابراز مذهب از تعلیق حقوق کاملاً متفاوت است و کشورهای اروپایی فقط با رعایت شرایط مندرج در مواد ۱۸ (بند ۳) میثاق و ماده ۹ (بند ۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قادر خواهند بود اعمال محدودیت نمایند.

۳- تمایز بین جنبه‌های درونی و بیرونی آزادی مذهبی

همانگونه که در کتاب مقدس آمده است در آغاز دین وجود داشت اما مسلماً آزادی مذهب به نحوی که ما امروزه درک می‌کنیم وجود نداشت. نظریه آزادی مذهب بر

^۵ همان، ص ۱۷۱.

^۶ محمدعلی موحد، در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱، صص ۳۹۹-۴۰۰.

پذیرش وجود بیش از یک دین یا مذهب مبتنی است.^۷ آزادی مذهبی که یکی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده است تنها در چارچوب اندیشه محصور نمی‌گردد و نمی‌توان آن را به باورهای محض اعتقادی و تجربه‌های درونی (اندیشه، ایمان، اعتقاد و تجربه دینی) تقلیل داد. اندیشه و اعتقاد مذهبی دارای جنبه‌های رفتاری ویژه‌ای است (وجه بیرونی دین و دینداری) و لذا اندیشه مذهبی را نمی‌توان به صورت مطلق از رفتار مذهبی منفک کرد و بدین ترتیب تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در دو حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد.^۸

بنابراین آزادی مذهبی دارای دو شالوده اساسی است: ۱- امکان یا توانایی علنی کردن تعلقات دینی و انتخاب یا عدم انتخاب آزادانه یک دین یا تغییر و انصراف از آن ۲- آزادی داشتن رفتار و زندگی مذهبی.^۹ با وجود لزوم شناسایی این دو بعد از آزادی مذهب، به منظور مشخص ساختن حدود اعمال محدودیت از سوی کشورها در خصوص این آزادی، ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر میان آزادی فکر، مذهب و عقیده و آزادی ابراز مذهب و عقیده تمایز قائل می‌شود. دیوان اروپایی حقوق بشر^{۱۰} و کمیته حقوق بشر^{۱۱} هر دو به وجود چنین تمایزی بین ابعاد آزادی مذهبی تأکید دارند. این تأکید از این جهت است که بعد درونی آزادی مذهبی مطلق است و هیچگونه محدودیتی را کشورها در مورد آزادی فکر، وجدان یا آزادی داشتن یا پذیرش یک عقیده یا مذهب نمی‌توانند اعمال نمایند. این آزادی‌ها بدون هیچگونه شرطی مورد حمایت‌اند، چنانکه بند ۲ ماده ۱۸ میثاق بیان می‌دارد که هیچکس را نمی‌توان مجبور کرد از افکارش دست بردارد یا مذهب و عقیده‌ای را قبول نماید. مقامات عمومی نمی‌توانند دست به اقدامی بزنند یا قانونی را تصویب نمایند که شهروندان را مجبور به عقیده یا عدم عقیده خاصی

⁷ John Shattuck, "Religion, Rights and Terrorism", *Harvard Human Rights Journal*, Spring 2003, vol. 16, p. 184, www.hoghoogh.com.online.fr/laicite.

^۸ علی اکبر گرجی، آزادی مذهبی و لائیسیته، www.hoghoogh.com.online.fr/laicite.

^۹ محسن کدیور، «آزادی عقیده و مذهب در اسلام و اسناد حقوق بشر»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها*، تهران، دانشگاه مفید، ۱۳۸۰، ص ۲۴۴.

¹⁰ ECtHR, *Kokkinakis v. Greece*, 25 May 1993, 31 and 33.

¹¹ General Comment No 22: The right to freedom of thought, Conscience and religion (Art. 18): 30/07/93, para. 3.

نماید. به این دلیل دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۷۶ در قضیه Kjeldsen بیان می‌دارد که کشور دانمارک هنگام سازماندهی سیستم آموزش و پرورش اجازه نداشته است فعالیت‌هایی که به القاء دیدگاه اخلاقی یا مذهبی خاص در مورد زندگی به دانش‌آموزان بر خلاف اعتقادات والدینشان منجر می‌شود را گسترش دهد.^{۱۲} بنابراین بر اساس آزادی مذهب (بعد داخلی)، القاء یک مذهب خاص توسط دولت خواه در زمینه آموزش و پرورش و هر فعالیت دیگری که دولت مسئولیت دارد ممنوع است.^{۱۳}

اما از سوی دیگر بعد خارجی آزادی مذهب به لحاظ ماهیتش نسبی است. در واقع بر اساس بند ۳ ماده ۱۸ میثاق و بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر امکان محدودیت در خصوص آزادی ابراز مذهب یا عقیده با شرایطی امکان پذیر است.

آزادی ابراز مذهب یا عقیده می‌تواند به صورت فردی یا جمعی، بطور علنی یا در خفا اعمال شود. آزادی ابراز مذهب یا عقیده در عبادات، اجرای آداب و اعمال و تعلیمات مذهبی که در مواد فوق‌الذکر بیان گردیده درجه وسیعی از اعمال را شامل می‌شود. کمیته حقوق بشر در تفسیر کلی (شماره ۲۲) خود ابراز مذهب یا عقیده در عبادت را از جمله شامل نمایش سمبلها و رسوم مشخصی چون پوشیدن لباس یا سرپوش متمایز می‌داند.

گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد آزادی مذهب یا عقیده، در گزارش سال ۲۰۰۴ خود به کمیسیون حقوق بشر اعلام می‌دارد که اکثر نهادهای قضائی یا شبه قضائی بین‌المللی معتقدند که نمایش سمبلهای مذهبی یک نوع ابراز مذهب یا عقیده است که در چارچوب قسمت دوم بند ۱ ماده ۱۸ (یعنی ابراز مذهب) میثاق قرار دارد و لذا بر اساس بند ۳ ماده ۱۸ قابل محدود شدن می‌باشد.^{۱۴}

¹² ECtHR, Kjeldson, Busk Madsen and Pedersen v. Danmark, 7 December 1976.

¹³ Javier Martinez-Torron, "The Permissible Scope of Legal Limitations on the Freedom of Religion or Belief: The European Convention on Human Rights", *Global Jurist Advances*, 2003, vol. 3, no. 2, p. 4.

¹⁴ Annual Report of Asma Jahangir, Special Rapporteur on Freedom of Religion or Belief to Commission on Human Rights, 20 Dec 2004; *E/CN.4/2005/61*.

نکته قابل توجهی که در بحث ابراز مذهب در رویه قضائی دیوان اروپایی حقوق بشر و در گذشته در رویه کمیسیون اروپایی حقوق بشر به چشم می‌خورد آن است که از دیدگاه این نهادهای اروپایی، ابراز، هر عمل متأثر یا ملهم از مذهب یا عقیده را شامل نمی‌شود. چنانچه در پرونده لیلا شهین علیه ترکیه که به بحث ممنوعیت استفاده از حجاب اسلامی در دانشگاه‌های ترکیه مربوط می‌گردید، دیوان اعلام می‌دارد: «... با وجود این، ماده ۹ از هر عمل متأثر یا ملهم از مذهب یا عقیده حمایت نمی‌کند و در تمام موارد حق رفتار در اماکن عمومی به هر نحو که آن عقیده مکلف کرده را تضمین نمی‌نماید»^{۱۵}، در چنین حالتی دیوان یا کمیسیون ضرورتی نمی‌بیند که به توجیحات کشور در خصوص محدودیت بر آزادی ابراز مذهب توجه نمایند زیرا از نظر آنها حق آزادی فکر، وجدان و مذهب مد نظر بند ۱ ماده ۹ در عمل نقض نشده است. به عبارت دیگر در رویه قضائی استراسبورگ و بویژه در رویه کمیسیون اروپایی حقوق بشر یک تمایل مشخصی به تفسیر مضیق قلمرو حمایتی ماده ۹ (۱) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مشاهده می‌کنیم که تلویحاً به توسل کمتر به مفاهیم محدودیت مندرج در بند ۲ ماده ۹ اشاره دارد.^{۱۶}

در قضیه لیلا شهین شاکی معتقد است که با پوشیدن روسری از مذهب خود تبعیت می‌کند و این امر مبین تمایل وی به پیروی دقیق از تکالیف ناشی از اعتقادات اسلامی است. وی اظهار داشته که ممنوعیت پوشیدن روسری اسلامی در نهادهای آموزش عالی به منزله مداخله غیرموجه در حق آزادی مذهب وی و بویژه حق ابراز عقاید مذهبی او می‌باشد. دولت ترکیه منکر آن است که ماده ۹ نقض شده باشد. به زعم دولت ترکیه هیچ مداخله‌ای در اجرای آزادی مذهبی شاکی صورت نگرفته است و حتی در صورت بروز این امر، چنین امری بر اساس بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر موجه می‌باشد.^{۱۷}

دیوان در این قضیه با وجود اینکه بیان می‌دارد ماده ۹ از هر عمل متأثر یا ملهم از مذهب یا عقیده حمایت نمی‌کند و اینکه تصمیم شاکی به پوشیدن روسری می‌تواند ملهم از یک مذهب یا اعتقاد قلمداد شود و بدون اخذ تصمیم در این مورد که چنین

¹⁵ ECtHR, Leyla Sahin v. Turkey, 29 June 2004, para. 66.

¹⁶ Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, p. 8.

¹⁷ ECtHR, *op. cit.*, paras. 64-71.

تصمیماتی آیا در هر مورد در اجرای تکلیفی مذهبی صورت گرفته است فرض را بر این می‌نهد که مقررات مورد بحث که محدودیتهایی بر مکان و شیوه حق پوشیدن روسری اسلامی در دانشگاهها وارد می‌کند به منزله مداخله‌ای در حق شاکی به ابراز مذهب وی می‌باشد.^{۱۸}

لذا در این قضیه دیوان می‌پذیرد که پوشیدن روسری اسلامی از جمله اعمال ملهم از یک مذهب است که در چارچوب ابراز مذهب قرار می‌گیرد. اگر چه دیوان فرض را بر نقض آزادی ابراز مذهب قرار داده است لیکن از توجه و تمرکز دیوان به شرایط محدودیتهای بند ۲ ماده ۹ و عدم ارائه استدلال قوی در جهت رد پوشیدن روسری اسلامی به عنوان ابراز مذهب، نشان می‌دهد که پوششهای اسلامی از جمله حجاب از موارد ابراز مذهب محسوب می‌شوند. از اینرو بیشتر استدلال دولت ترکیه نیز بر محدودیتهای بند ۲ ماده ۹ قرار گرفته است.

۴- شرایط اعمال محدودیت بر آزادی ابراز مذهب و عقیده

همانگونه که قبلاً بیان شد سه شرط کلیدی مندرج در بند ۳ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی سیاسی و بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌تواند محدودیت بر آزادی ابراز مذهب به وسیله اشخاص یا گروههای مذهبی را توجیه کند. از اینرو نهادهای قضائی و شبه قضائی بین‌المللی و در سطح اروپا دیوان اروپایی حقوق بشر وقتی با ادعای نقض حق آزادی مذهب در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یا میثاق حقوق مدنی و سیاسی مواجه می‌شوند بدین نحو عمل می‌نمایند:

نخست ضروری است که دیوان تأیید کند اقدامی که به نقض منجر شده است به وسیله قانون پیش‌بینی شده باشد. دوم اینکه آن اقدام باید یکی از اهداف مشروع مندرج در بند ۲ ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۸ (که تقریباً هر دو ماده یکسان هستند) را دنبال نماید: حمایت از امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی و یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران. سوم اینکه اقدام مورد نظر در یک جامعه دموکراتیک ضرورت داشته باشد (در میثاق قید جامعه دموکراتیک نیامده است).

اصول کلی تفسیر این مفاهیم به وسیله دیوان اروپایی حقوق بشر با ارجاع به

¹⁸ *Ibid.*, para. 71.

مواد ۸، ۱۰ و ۱۱ به جای ماده ۹ توسعه یافته است (البته بند ۲ این چهار ماده از الگوی مشابهی پیروی می‌نمایند). علت این مسأله آن است که دیوان اروپایی حقوق بشر قضایای مربوط به آزادی مذهب یا عقیده را از سال ۱۹۹۳ از قضیه Kokkinakis مورد بررسی قرار داده است. قبل از آن اغلب درخواستها مربوط به ماده ۹ توسط کمیسیون اروپایی حقوق بشر غیرقابل پذیرش اعلام شده بود. با وجود این رویه قضائی جاافتاده‌ای در خصوص محدودیتهای مجاز در مورد آزادی بیان، اجتماع... از سوی دیوان وجود دارد^{۱۹} و از آنجا که شرایط اعمال محدودیت در خصوص آزادی ابراز مذهب و عقیده (وجود قانون، داشتن اهداف مشروع، ضرورت در جامعه دموکراتیک) در رابطه با اعمال محدودیت بر آزادی بیان (ماده ۱۰) آزادی اجتماع (ماده ۱۱) و حق احترام به حریم خصوصی (ماده ۸) نیز مطرح می‌شود از اینرو دیوان در قضایای مربوط به آزادی مذهب از جمله در قضیه لیلا شهین کاملاً تحت تأثیر رویه قضائی سابق خود اقدام نموده است.

۴-۱- نیاز به تفسیر مضیق از محدودیتهای بر آزادی ابراز مذهب

همزمان با تفسیر موسع از آزادی‌های مورد حمایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مسأله نیاز به تفسیر مضیق از محدودیتهای مجاز مطرح می‌شود. این بهترین دکترین قابل اعمال در خصوص درک حقوق بشر می‌باشد. دیوان اروپایی حقوق بشر در آراء متعددی که در خصوص آزادی بیان، اجتماع صادر نموده است به این نکته اشاره نموده که محدودیتهای مندرج در مواد ۸، ۱۰ و ۱۱ باید بطور مضیق تفسیر شود و فقط به وسیله دلایل قانع‌کننده و قوی توجیه می‌شوند.^{۲۰} طبیعتاً این استدلال در مورد آزادی فکر، وجدان و مذهب قابل اعمال است، چرا که مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در جهت حمایت از پلورالیزم هدفگیری شده که بدون آن، همانگونه که دیوان بارها تأکید کرده است، دموکراسی نمی‌تواند وجود داشته باشد. در قضیه Kokkinakis^{۲۱} دیوان بیان می‌دارد که آزادی مذهبی یکی از پایه‌های جامعه

¹⁹ Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, p. 7.

²⁰ ECtHR, United Communist Party of Turkey v. Turkey, 30 January 1998; Socialist Party v. Turkey, 25 May 1998; Freedom and Democracy Party v. Turkey, 8 December 1999.

²¹ ECtHR, Kokkinakis v. Greece, 25 May 1993.

دموکراتیک و تکثرگرا است.

این دکترین بطور صریح به وسیله تفسیر کلی کمیته حقوق بشر در خصوص ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی - سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است: «... محدودیتها به غیر از زمینه‌های مندرج در ماده ۱۸ (بند ۳) ممنوع است ولو اینکه چنین زمینه‌هایی (مثل امنیت ملی) در مورد سایر حقوق مورد حمایت در میثاق امکان محدودیت را بدهد. محدودیتها فقط برای اهداف مقرر شده می‌تواند اعمال گردد و باید بطور مستقیم با نیاز خاصی که برای آن پیش‌بینی شده‌اند مرتبط و متناسب باشد...».^{۲۲}

بدین ترتیب با توجه به استثنائی بودن محدودیتها، توسل به مؤلفه‌های ملی چون امنیت عمومی برای تحدید حقوق ذاتی بشر به ارائه دلایل منطقی وابسته است و صرف ادعای به خطر افتادن نظم عمومی، سلامت عمومی... برای اعمال محدودیتها کافی نیست و در صورت تشکیک و تردید برای انتخاب میان دو گزینه، اجرای حقوق بشر ارجحیت دارد.^{۲۳}

نکته مهم دیگری که کمیته حقوق بشر در تفسیر خود اشاره کرده است اصل تناسب است. این اصل بیانگر این است که میزان هر محدودیتی باید مشخصاً متناسب با نیازها و منافع مورد نظر در آن محدودیت باشد.

۲-۴- محدودیت به وسیله قانون پیش‌بینی شده باشد

یکی از شرایط اعمال محدودیت در خصوص آزادی ابراز مذهب یا معتقدات بر اساس بند ۳ ماده ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر آن است که این محدودیت به وسیله قانون پیش‌بینی شده باشد. هدف از این قید آن است که مانع از آن شود که مقامات ملی بتوانند با صلاحدید کامل علیه فعالیت‌هایی که آنها برای منافع ملی زیان‌آور تلقی می‌کنند برخورد نمایند.

قانون مذکور باید حدود دقیق مداخله در آزادی و دلایل آن را روشن سازد. قانونگذار نمی‌تواند در این خصوص به قوه مجریه آزادی عمل نامحدود اعطاء

²² General Comment no. 22, para. 8.

²³ کیومرث خالقی، «تعادل میان حقوق ذاتی بشر و زیر ساختهای سیاسی ملی»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۶۶-۱۶۵، ص ۷۱.

نماید.^{۲۴} مقررات صرف اداری (بخشنامه‌ها، آئین‌نامه‌ها) تنها در صورتی می‌توانند مجوزی برای مداخله باشد که در راستای اجرای قانونی باشد که چنین مداخله‌ای را با حدود معین اجازه می‌دهد.^{۲۵} در قضیه لیلا شهین شاکی مدعی بود که ممنوعیت پوشیدن روسری در دانشگاه استانبول بر تفسیری خطا و اشتباه از رویه قضائی دادگاه قانون اساسی توسط مقامات دانشگاهی بنا شده است. وی مدعی بود که بخشنامه مذکور با بخش ۱۷ قانون آموزش عالی (شماره ۲۵۴۷) هماهنگ نیست زیرا این بخش ممنوعیت پوشیدن روسری اسلامی را تحمیل نمی‌کند.^{۲۶}

لازم به ذکر است که دادگاه قانون اساسی ترکیه در حکم مورخ ۷ مارس ۱۹۸۹ که در روزنامه رسمی مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۸۹ منتشر شد حکم نمود که قانون شماره ۲۵۴۷ (که پوشش اسلامی را اجازه می‌دهد) مغایر مواد ۲ (سکولاریزم) ماده ۱۰ (برابری در مقابل قانون) و ماده ۲۴ (آزادی مذهب) قانون اساسی است.

در مورد این پرونده دیوان بر این باور است که بخشنامه مذکور خود مصوبه قانونی است که توسط معاون دانشگاه صادر شده است. هیچ تردیدی نیست که ارکان اجرایی دانشگاه (معاون دانشگاه) منوط به رعایت مقررات قانونی دارای چنین اختیاری است.^{۲۷} یعنی بخشنامه از این جهت قانونی است که در راستای اجرای حکم قانونی است. البته مقصود دیوان این نیست که قوه مجریه می‌تواند با صدور بخشنامه و آئین‌نامه حقوق و آزادی افراد را محدود نماید، زیرا اصولاً قوه مجریه قانونگذار نیست. در واقع دیوان می‌خواهد این مسأله را بررسی نماید که آیا بخش ۱۷ قانون آموزش عالی می‌تواند به منزله مبنای قانونی آن بخشنامه به شمار آید.

نکته قابل توجهی که دیوان در این پرونده به آن اشاره می‌کند آن است که واژه قانون باید در مفهوم وسیع تفسیر شود. یعنی این واژه، هم قانون نوشته و هم قانون نانوشته از جمله رویه قضائی را پوشش می‌دهد.^{۲۸} آنچه ضروری است آن است که

²⁴ HRC, General Comment no. 27 (1999), para. 13.

²⁵ Australian Human Rights & Equal opportunity Commission, "Lawful Limits on Fundamental Freedoms", www.hreoc.gov.au/human-Rights/briefs/brief-4.

²⁶ ECtHR, Leyla Sahin v. Turkey, *op.cit.*, para. 72.

²⁷ *Ibid.*, para. 75.

²⁸ *Ibid.*, para. 77.

اصل «قطعیت حقوقی»^{۲۹} رعایت شود. قطعیت حقوقی ایجاب می‌کند که قانون قابل اعمال - چه موضوعه و چه رویه قضائی - به قدر کافی برای شهروندان قابل دسترس باشد و اینکه قواعد مربوطه با دقت و صراحت مناسب تنظیم شده باشد تا برای شهروندان قابل پیش‌بینی باشد.^{۳۰}

در قضیه مذکور دیوان معتقد است که رویه قضائی منبع معتبر حقوقی در نظام ترکیه محسوب می‌شود. حکم دادگاه قانون اساسی ترکیه به منزله قانون است که لازم‌الاتباع و به لحاظ چاپ در روزنامه رسمی مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱ قابل دسترسی است. این حکم، بخش ۱۷ قانون آموزش عالی را تکمیل کرده است. در این حکم مجاز داشتن دانشجویان به پوشاندن گردن و موی خود با چادر یا روسری به دلیل اعتقادات مذهبی در دانشگاهها برخلاف قانون اساسی است.^{۳۱} لذا از نظر دیوان بخشنامه معاون دانشگاه استانبول واجد شرط اول بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون است. از نظر دیوان شاکی از لحظه ورود به دانشگاه استانبول که مقررات راجع به پوشش اسلامی در آن جا وجود داشت (از ۲۳ فوریه ۱۹۹۸) خود می‌دانست که در صورت تداوم استفاده از روسری اسلامی حق حضور در کلاسهای درس را نخواهد داشت.^{۳۲}

۴-۳- محدودیتها اهداف مشروعی را دنبال نمایند

همانگونه که در بند ۳ ماده ۱۸ میثاق و بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بیان شده، تدابیر محدودکننده اتخاذ شده توسط مقامات ملی ولو اینکه به صورت شفاف و روشن در قوانین در دسترس آورده شده باشد باید با یکی از اهداف مشروع مندرج در این مواد منطبق باشد. مواردی که به عنوان هدف از محدودیت در این مواد آمده حصری است و از نظر کمیته حقوق بشر در تفسیر شماره ۲۲ نیز کشورهای عضو به هیچ دلیل دیگری، جز موارد برشمرده شده نمی‌توانند اعمال محدودیت نمایند.

²⁹ Legal Certainty.

³⁰ Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, p. 10.

³¹ ECtHR, *op. cit.*, para. 78.

³² *Ibid.*, para. 81.

بر اساس مواد مذکور اعمال محدودیت برای آزادی ابراز مذهب باید برای حمایت از امنیت عمومی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.

نگاهی به اهداف مذکور این مسأله را روشن می‌سازد که اگر چه حقوق بشر در راه حفظ حیثیت ذاتی انسان، نوع بشر را اولویت می‌بخشد، حکومت نیز به عنوان مدافع حقوق اجتماع و حافظ دوام دولت در بسیاری موارد محدود شدن اجرای حقوق بشر را لازم می‌بیند. تلاش برای یافتن نقطه تعادل میان اجرای حقوق بشر و حفاظت از مؤلفه‌های ملی سرچشمه بسیاری از تنش‌های شدید سیاسی در درون دولت‌ها بوده است.^{۳۳}

هرچند استیلای حاکمیت بر مسأله حقوق بشر از دیدگاه جامعه بین‌المللی مردود است اما تأثیر مؤلفه‌های آن بر مبحث حقوق بشر حائز اهمیت بسیار است. علت اصلی موضوع آن است که دولت‌های دارای حاکمیت نه تنها قواعد و مقررات بین‌المللی حمایت از حقوق بشر را وضع می‌کنند بلکه در عین حال روند اجرای حقوق موضوعه را نیز مطابق اراده مطلقه‌شان تعیین می‌کنند. هیچکس غیر از امانوئل کانت این چنین صریح به ما یادآور نشده که آزادی فردی تنها در یک جامعه حقوقی تأمین می‌شود، جامعه‌ای که کانت آن را جمهوریت یا دولت مطلوب وصف نمود.^{۳۴} بنابراین باید به خاطر داشت که حداقل در وضعیت کنونی هیچ راهکار دیگری برای اجرای مناسب حقوق بشر غیر از سازوکارهای دولتی را نمی‌توان پذیرفت. در اینصورت مؤلفه‌های ملی در چارچوب حکومت و حاکمیت است که شدت جریان حقوق بشر را در جوامع معین می‌کند. از این جهت است که حکومت برای حفظ امنیت ملی می‌تواند اجتماعات را ممنوع و یا حق آزادی بیان را محدود نماید.^{۳۵}

نکته قابل توجه در رابطه با اهداف مشروع آن است که اگر چه کشورها تحت یکی از این عناوین حق اعمال محدودیت دارند، لیکن تعیین مفهوم هر کدام بر عهده آنها است و نمی‌توان مفهوم واحدی برای هر کدام در نظر گرفت، زیرا این مؤلفه‌ها

^{۳۳} کیومرث خالقی، پیشین، ص ۷۰.

^{۳۴} جمشید ممتاز و دیگران، حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، ترجمه و تحقیق از حسین

شریفی طرازکوهی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۷۸.

^{۳۵} کیومرث خالقی، پیشین، ص ۷۱.

ارتباط نزدیکی با آداب، فرهنگ منافع ملی... هر جامعه دارد. از سوی دیگر مقامات ملی به جوامع خود نزدیکتر هستند و در موقعیت بهتری برای ارزیابی نیازهای منافع عمومی جامعه خود قرار دارند. از اینرو دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده لیلا شهین بیان می‌دارد: «در میان کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رویه متحدالشکلی در مورد حمایت از حقوق دیگران و نظم عمومی وجود ندارد و هر کشور با توجه به اسلوبها و سنتهای ملی خود رویه‌ای نسبتاً متفاوت را در پیش گرفته است...»^{۳۶}.

در رابطه با مفهوم کلی اخلاق عمومی نیز دیوان اروپایی حقوق بشر بر خصوصیت محلی و متغیر آن مفهوم تأکید کرده است.^{۳۷} در نتیجه یک مفهوم اروپایی متحدالشکل در رابطه با اصول اخلاقی وجود ندارد و در این زمینه حد ارزیابی کشور تمایل به گسترش دارد. البته این به معنای کنار نهادن نظارت دیوان نیست. در قسمت بعد خواهیم دید که نهادهای صالح از جمله دیوان اروپایی بر ضرورت محدودیت در چارچوب این اهداف نظارت دارند. در پرونده لیلا شهین دولت ترکیه مدعی بود که از این مداخلات اهدافی مشروع را تعقیب کرده است؛ حفظ نظم عمومی در دانشگاهها، حمایت از اصل سکولاریزم و حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران. شاکی نیز پذیرفت که از حیث حمایت از اصل سکولاریزم و تضمین عدم درگیری در دانشگاههای ترکیه، چنین مداخله‌ای می‌تواند با اهداف مشروع مقرر در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون سازگار باشد. با توجه به شرایط پرونده و مفاد تصمیمات دادگاههای داخلی، دیوان دریافت که اقدام ترکیه اصولاً به دنبال اهداف مشروع حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران و حمایت از نظم عمومی بوده است.^{۳۸}

۴-۴- ضرورت در جامعه‌ای دموکراتیک

شرط مهم دیگری که در بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون و بند ۳ ماده ۱۸ میثاق ذکر شده این است که اقدامات اتخاذ شده تا چه اندازه برای تحقق اهداف مشروع ضروری است. صرف اینکه کشوری اهداف مذکور را به عنوان دلیل اقدامات خود ذکر نماید کافی

³⁶ ECtHR, *op. cit.*, para. 102.

³⁷ Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, p. 17.

³⁸ ECtHR, *op. cit.*, paras. 83-84.

نیست بلکه باید دلایلی کافی و مناسب جهت مداخله در خصوص آزادی ابراز مذهب ارائه نماید و اقدامات اتخاذ شده در سطح ملی با اهداف مورد نظر متناسب باشد.

در بند ۲ ماده ۹ عنوان جامعه دموکراتیک آورده شده در حالی که در بند ۳ ماده ۱۸ صرفاً بیان شده که اقدامات در جهت تحقق اهداف مشروع ضروری باشد و عبارت جامعه دموکراتیک حذف شده است. یعنی از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معیار در تحقق هر یک از این اهداف موازین مورد قبول یک جامعه دموکراتیک است. به نظر می‌رسد علت حذف شرط دموکراتیک بودن جامعه برای اعمال محدودیتها در میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی آن است که کشورهای عضو میثاق کشورهای نامتجانس بوده و از فرهنگهای مختلف برخوردار می‌باشند بطوری که برخی از این کشورها اصولاً به دموکراسی اعتقاد ندارند، اما در عوض در جامعه اروپا، مفهوم جامعه دموکراتیک مهمترین ارزش نظم عمومی اروپایی محسوب شود و حقوق بشر اروپایی حول محور آن قرار می‌گیرد و این امر در مقدمه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مذکور مطرح شده است.^{۳۹}

در دکترین دیوان اروپایی حقوق بشر منظور از «جامعه دموکراتیک» جامعه‌ای است که مبتنی بر تضمین پلورالیزم و برتری قانون است.^{۴۰} جامعه‌ای که ارزشهای حقوقی و سیاسی‌اش با ارزشهای ملهم از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطابقت دارد.

مسئله بعدی در خصوص شرط سوم، مفهوم ضرورت است. در تفسیر دیوان اروپایی حقوق بشر کلمه «ضرورت» به یک نیاز اجتماعی مبرم اشاره دارد که بطور انتزاعی نمی‌تواند تعیین شود.^{۴۱} از آن جا که در بحث محدودسازی آزادی ابراز مذهب دو موضوع مهم مد نظر است که یکی تضمین فراملی حقوق بشر است که هدف کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی است و دیگری احترام به خصوصیات خاص هر نظام حقوق ملی است، خصوصیات که مفهوم خاصی از حمایت از منافع عمومی را منعکس می‌سازد، دیوان اروپایی حقوق بشر

^{۳۹} عباس کوچ نژاد، پیشین، ص ۱۷۷.

^{۴۰} Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, p. 11.

^{۴۱} *Ibid.*, p. 12.

تلاش دارد که یک توازن بین این دو عنصر ایجاد نماید. از اینرو دیوان در رابطه با ارزیابی لزوم و ضرورت مداخله دکترینی را ارائه کرده است. این دکترین را می‌توان به عنوان «دکترین آستانه ارزیابی»^{۴۲} نامگذاری نمود.

همانگونه که در پرونده لیلا شهین دیوان در بررسی مسأله ضرورت اشاره می‌کند، بر اساس این دکترین که در رویه قضائی دیوان تثبیت شده است مراجع ملی اصولاً در مقام مناسب تری از یک دادگاه بین‌المللی هستند تا نیازها و شرایط محلی را ارزیابی کنند. این به عهده مراجع ملی است که ارزیابی اولیه را از «لزوم و ضرورت» چنین مداخله‌ای چه از حیث چارچوب تقنینی و اقدام خاص اجرایی به عمل آورند.^{۴۳}

بر اساس این دکترین این اختیار ارزیابی اولیه نامحدود نیست، به این معنا که گرچه ارزیابی اصلی و اولیه این امر به مراجع و نهادهای ملی و نهاده شده است اما تصمیم این مراجع جهت بررسی انطباق آن با مفاد کنوانسیون به دیوان واگذار گشته است.^{۴۴} اگر مقامات ملی در شرایط بهتری برای تشخیص و ارزیابی اوضاع و احوال داخلی هستند، دیوان برای تفسیر کنوانسیون و نتایج آن در رابطه با حمایت از آزادی شهروندان در موقعیت بهتر قرار دارد.

دیوان اروپایی حقوق بشر در تصمیمات خود پاره‌ای تغییرات جزئی بر دکترین خود افزوده است. از جمله اینکه حد ارزیابی کشورها به دو عامل بستگی دارد: نخست اهدافی که به وسیله تدابیر محدودکننده دنبال می‌شود. بعضی از اهداف نسبت به اهداف دیگر از جهت تجزیه و تحلیل عینی مستعدتر هستند. دوم، ماهیت فعالیت‌های تابع محدودیت است. وقتی این فعالیتها دقیقاً به زندگی خصوصی افراد و نه جامعه مربوط باشند، حد ارزیابی کشور کاهش می‌یابد و اختیار کنترل دیوان افزایش می‌یابد.^{۴۵}

نکته قابل توجه دیگر آن است که دکترین آستانه ارزیابی زمانی توسط دیوان مطرح شد که شورای اروپا متشکل از تعدادی کشور اروپایی نسبتاً متحدالشکل از

⁴² The Margin of Appreciation.

⁴³ ECtHR, *op. cit.*, para. 100.

⁴⁴ *Ibid.*

⁴⁵ Javier Martinez-Torron, *op. cit.*, pp. 13, 14 and ECtHR, *op. cit.*, para. 101.

جهت دموکراسی و آزادی‌های مدنی بود. در آن دوره دکترین که حد وسیعی از صلاح‌دید برای مقامات ملی در نظر می‌گرفت یک راه حل مناسب برای هماهنگی اختیار کشورهای عضو و اختیار یک دیوان فراملی جوان بود. لیکن پس از چهار دهه و بویژه پس از حضور کشورهای سوسیالیستی سابق در شورای اروپا که از جهت نگرش با اروپای غربی تفاوت دارند طبیعی است که انتظار می‌رود دیوان تمایل داشته باشد اختیار نظارتی خود را به نحو سخت‌تری اعمال نماید. این مسأله تا آن جا که به آزادی مذهب مربوط می‌شود کاملاً مصداق دارد. افزایش قابل توجه تصمیمات اتخاذ شده بر اساس ماده ۹ در ده سال اخیر (از سال ۱۹۹۳ دیوان اروپایی بیش از ۲۰ قضیه در مورد آزادی مذهبی را مورد رسیدگی قرار داده است) این نظر را تأیید می‌کند.^{۴۶}

بر این اساس دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده لیلا شهین به ارزیابی دلایل ترکیه در خصوص ضرورت اتخاذ اقدامات محدودکننده استفاده از حجاب اسلامی در دانشگاه‌های ترکیه پرداخت.

به منظور ارزیابی ضرورت مداخله ناشی از بخشنامه مورخ ۲۳ فوریه ۱۹۹۸ که محدودیتهایی بر مکان و شیوه حق دانشجویانی مثل خانم لیلا شهین به پوشیدن روسری اسلامی در مکانهای دانشگاهی اعمال کرده است، دیوان بیان می‌دارد که باید آن بخشنامه را در چارچوب حقوقی و اجتماعی آن مورد توجه قرار داده و در پرتو شرایط و احوال پرونده مورد بررسی قرار دهد. وظیفه دیوان احراز این امر می‌باشد که آیا دلایلی که جهت مداخله در این حق ارائه شده‌اند مناسب و کافی هستند و اقدامات اتخاذی در سطح ملی با اهداف مورد نظر متناسب می‌باشد. دیوان خاطرنشان می‌سازد که مداخله مزبور بر دو اصل مبتنی بوده است: «سکولاریزم» و «برابری» که یکدیگر را تقویت و تکمیل می‌کنند.

«دیوان معتقد است بی‌شک اصل سکولاریزم در ترکیه یکی از اصول بنیادین حکومت است که مطابق حکومت قانون و رعایت حقوق بشر است. در کشوری مانند ترکیه که اکثریت غالب جمعیت آن به یک مذهب خاص تعلق دارند اقدامات اتخاذی در دانشگاهها جهت جلوگیری از جنبشهای بنیادگرای مذهبی جهت اعمال

⁴⁶ *Ibid.*, p. 14.

فشار به دانشجویان آن مذهب یا مذاهب دیگر می‌تواند طبق بند ۲ ماده ۹ کنوانسیون توجیه شود. در آن چارچوب، دانشگاه‌های سکولار می‌توانند ابراز آداب و سبب‌های آن مذهب را با وضع محدودیت نسبت به مکان و شیوه ابراز با هدف تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز میان دانشجویان دارای عقاید مختلف و حمایت از نظم عمومی و اعتقادات دیگران تنظیم نمایند».

«به نظر دیوان مفهوم سکولاریزم مطابق با ارزش‌های نهفته در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است و دیوان می‌پذیرد که حمایت از آن اصل می‌تواند امری ضروری جهت حمایت از نظام دموکراتیک در ترکیه باشد. به علاوه همانند دادگاه قانون اساسی ترکیه، دیوان این امر را مورد ملاحظه قرار می‌دهد که به هنگام بررسی مسأله روسری اسلامی در چارچوب ترکیه، باید این امر را به خاطر داشت چنان پوششی چه تأثیری می‌تواند بر آنهایی که از این پوشش استفاده نمی‌کنند داشته باشد. از اینرو وضع محدودیت و تحمیل آن بر آزادی در این قلمرو می‌تواند اجابت‌کننده یک نیاز مبرم اجتماعی برای نیل به آن دو هدف مشروع باشد، بویژه از آن حیث که همانطور که دادگاه‌های ترکیه ابراز داشته‌اند این سبب مذهبی در سال‌های اخیر در ترکیه اهمیتی سیاسی یافته است».

«با توجه به مراتب فوق و بویژه توجه خاص به صلاح‌دید و‌اگذار شده به دولتهای متعاقد، دیوان در می‌یابد که مقررات دانشگاه استانبول که محدودیتهایی را بر پوشش روسری اسلامی وضع کرده است و اقدامات اتخاذی جهت اجرای آن مقررات اصولاً موجه و متناسب با اهداف مورد نظر می‌باشد و از اینرو در یک جامعه دموکراتیک ضروری قلمداد می‌شوند. بر این اساس ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نقض نشده است»^{۴۷}

۵- ارزیابی تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر

۵-۱- شرط ضرورت در جامعه دموکراتیک، عامل کلیدی

به نظر می‌رسد در میان شرایط اعمال محدودیت بر آزادی ابراز مذهب شرط

⁴⁷ ECtHR, *op. cit.*, paras. 103-115.

ضرورت در جایگاه برتری قرار داشته باشد، زیرا دولت‌ها اغلب محدودیتهای مورد نظر خود را در چارچوب قانون قرار می‌دهند و همواره دلایل مطرح شده در کنوانسیونها را به عنوان اهداف خود ذکر می‌کنند. ولی همانگونه که توضیح داده شد مهم این است که اقدامات محدودکننده تا چه اندازه برای تحقق اهداف مشروع ضروری است.

اگرچه دیوان در رویه خود دکترین آستانه ارزیابی را پایه‌گذاری کرده است، اما به نظر می‌رسد در پرونده لیلا شهین تمایل دارد به هر نحو ارزیابی اولیه ترکیه و دلایل این کشور در جهت ضروری بودن اقدام را منطبق با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی کند. سؤال این است که رعایت اصل سکولاریزم که مد نظر دولت ترکیه بوده و دیوان نیز توجه خاصی به آن داشته است در یک کشور مسلمان تا چه حد می‌تواند دلیل ضرورت این نوع محدودیت باشد. اصولاً پایه و اساس سکولاریزم بر سه اصل استوار است: ۱- آزادی مذهبی ۲- برابری حقوقی ادیان بدین معنی که دولت غیردینی دین خاصی را بر ادیان دیگر ترجیح نمی‌دهد. ۳- بی‌طرفی دولت، حکومت در این معنا هیچگونه رسالت دینی و روحانی برای خود قائل نیست. قائل شدن مأموریت دینی برای حکومت معمولاً با ترجیح یک گزینه بر گزینه‌های دیگر همراه خواهد شد، نتیجه این ترجیح نیز نابرابری حقوقی و در نهایت تخدیش اصل آزادی دینی است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چگونه تلاش برای وادار ساختن شهروندان یا کاربران خدمات عمومی به انجام یا عدم انجام یک رفتار مذهبی با مفهوم سکولاریزم منطبق است. چنانکه ملاحظه می‌شود دولت ترکیه مفهوم سکولاریزم را بسیار گسترش داده به نحوی که مرزهای آن حریم خصوصی افراد و آزادی‌های فردی کاربران خدمات عمومی را درهم می‌نوردد، در حالی که سکولاریزم اصولاً به معنای جدایی دین و دولت است و نه به معنای جدایی مردم از دیانت. جوهر سکولاریزم بی‌طرفی دولت و مأموران قوای عمومی است نه بی‌طرفی افراد و کاربران خدمات عمومی.

آنچه می‌توان در مورد این پرونده گفت این است که استدلالهای دیوان اروپایی بیشتر مبتنی بر پیش‌فرضهای ذهنی و سیاسی خاصی است که نتیجه‌گیری حقوقی این نهاد را قابل تأمل جلوه داده است.

۵-۲- محدودیتهای ابراز مذهب نباید به سایر حقوق بشری لطمه وارد کند

شاکای در پرونده لایلا شهین به نکته‌ای اشاره می‌کند که ظاهراً مورد توجه دیوان اروپایی حقوق بشر قرار نمی‌گیرد. وی ضمن اینکه معتقد است روسری اسلامی ارزشهای جمهوری و حقوق دیگران را مورد چالش قرار نمی‌دهد و نمی‌تواند ذاتاً با اصول سکولاریزم و جلوگیری از درگیری در فرآیند آموزش مغایر تلقی شود، اضافه می‌کند که اگر روسری اسلامی بر سر کنند در هیچیک از نهادهای آموزشی یا دانشگاههای ترکیه قادر به پیگیری تحصیلات عالی خود نخواهد بود. همچنین وی معتقد است که محدودیت استفاده از علائم و سمبلهای مذهبی به صورتی متحدالشکل اجرا نشده است. دولت هیچ محدودیتی بر دانشجویان غیرمسلمان وضع نکرده است. به اعتقاد وی نامه مورخ اول آوریل ۲۰۰۲ که در آن مقام ذیربط آموزش عالی از مقامات دانشگاه درخواست کرده که به درخواست دانشجویان یهودی جهت معافیت از حضور در کلاسهای درس در طول تعطیلات مذهبی یهودیان موافقت نمایند یک نمونه از شیوه تبعیض آمیزی است که مقامات دانشگاهی تمایل به اقدام داشته‌اند.^{۴۸}

دیوان اگر چه در بیان اصول حاکم بر ارزیابی ضرورت، معتقد است که مقررات محدودکننده نباید با دیگر حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر معارض باشد یا آزادی ابراز مذهب یا عقیده را بطور کامل منتفی سازد^{۴۹}، لیکن در پایان حکم خود در پاسخ به ادعای شاکای مبنی بر اینکه اقدام دولت ترکیه مواد ۸ و ۱۰ و ۱۴ و ماده ۲ پروتکل شماره ۱ الحاقی را نقض کرده است بیان می‌دارد که هیچ مسأله مستقلاً تحت مقررات استنادی وجود ندارد و شرایط موجود در مورد ماده ۹ در مورد سایر مواد نیز مصداق دارد^{۵۰} (ماده ۸ کنوانسیون حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و ماده ۱۰ آزادی بیان را مطرح می‌کند). منظور دیوان این است که محدودیتهای پیش‌بینی شده در ماده ۹ با محدودیتهای قابل اعمال بر آزادی‌های مورد حمایت در این مواد (۸ و ۱۰) منطبق است و لذا نیازی به بررسی جداگانه نیست و همان سه شرط قانونی بودن، انطباق با اهداف مشروع و ضرورت

⁴⁸ *Ibid.*, paras. 85-89.

⁴⁹ *Ibid.*, para. 102.

⁵⁰ *Ibid.*, paras. 116-117.

برای ارزیابی اقدام ترکیه کفایت می‌کند. حال آنکه محرومیت از تحصیل و مسأله تبعیض در ابراز مذهب و تبعیض در بهره‌مندی از امکانات عمومی مسائلی هستند که دیوان به آن پاسخ نمی‌دهد.

این موضوع از دید سایر نهادهای نظارتی حقوق بشر پنهان نمانده است. کمیته حقوق کودک در اظهارنظر نهایی‌اش در چهارم ژوئن ۲۰۰۴ در مورد دومین گزارش دوره‌ای فرانسه بیان می‌دارد که قانون جدید فرانسه^{۵۱} (قانون ممنوع بودن داشتن نشانه‌ها یا پوشش که نمایانگر وابستگی مذهبی است در مدارس ابتدایی، راهنمایی و متوسطه دولتی) به دلیل نادیده گرفتن اصل بهترین منافع کودکان و حق دسترسی کودکان به آموزش می‌تواند دارای نتایج منفی باشد. کمیته توصیه می‌کند که کشور فرانسه هنگام ارزیابی آثار قانون جدید، بهره‌مندی از حقوق کودک را که در کنوانسیون حقوق کودک مندرج است را به عنوان معیار قطعی در نظر گیرد و شیوه‌های دیگر از جمله میانجیگری را مورد توجه قرار دهد تا هم خصوصیت سکولار مدارس دولتی تأمین شود و هم حقوق فردی تضمین شود و کودکان از نظام مدرسه محروم نشوند.^{۵۲}

کمیته حقوق بشر هم در تصمیم خود در قضیه Hudoyberganova^{۵۳} اظهار می‌دارد که ممنوع نمودن فرد از پوشیدن لباس مذهبی در مکانهای عمومی یا خصوصی می‌تواند نقض بند ۲ ماده ۱۸ باشد که هرگونه اکراهی که به آزادی فرد در داشتن یا قبول یک مذهب لطمه وارد نماید را ممنوع می‌کند.

همانگونه که تفسیر کلی کمیته (شماره ۲۲) اشاره نموده، سیاستها یا عملکردهایی که همان قصد یا اثر اکراه مستقیم را دارد، همچون محدود کردن دسترسی به آموزش و پرورش با بند ۲ ماده ۱۸ مغایر است.

از اینروست که گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد مذهب یا عقیده تأکید می‌کند که در چنین وضعیتهایی حقوق بشر غیر از آزادی مذهب یا عقیده ممکن است در معرض خطر قرار گیرند لذا معتقد است که این

⁵¹ Law no. 2004-228 of 15 March 2004.

⁵² CRC/C/15/Add.240.

⁵³ HRC, Hudoyberganova v. Uzbekistan, 5 November 2004, 82 Session, (CCPR/C/82/D/931/2000), paras. 6 & 2.

وضعیتها باید مورد به مورد، تحت بررسی قرار گیرد و به سایر جنبه‌های حقوق بشر که ممکن است در وضعیت مربوطه مورد تعرض قرار گیرند توجه لازم صورت پذیرد.^{۵۴}

نتیجه‌گیری

آزادی مذهبی از جنبه‌های خاص آزادی عقیده محسوب می‌شود. با وجود این گاه مرزهای آن از حدود و ثغور آزادی اندیشه در می‌گذرد. آزادی مذهبی در پیرامند آزادی عقیده بدین معناست که افراد بتوانند آزادانه تعلق یا عدم تعلق فکری خود را به مذهبی خاص اعلام نموده یا در انتخاب و عدم انتخاب یک مذهب یا تغییر آن از آزادی لازم برخوردار باشند. آزادی مذهبی دارای دو شالوده اساسی است: ۱- امکان یا توانایی علنی و بیرونی کردن تعلقات دینی و انتخاب یا عدم انتخاب آزادانه یک دین یا تغییر و انصراف از آن ۲- آزادی داشتن رفتار و زندگی مذهبی. نتیجه آنکه تضمین آزادی مذهبی باید توأمان در دو حوزه اندیشه و رفتار صورت پذیرد.

از سوی دیگر می‌دانیم حقوق و آزادی‌های ذکر شده در اسناد حقوق بشری نوعاً و به جز در موارد خاص مطلق و نامحدود نیستند. ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح دارد که افراد در اعمال حقوق و آزادی‌های خود مشمول محدودیتهای قانونی خواهند بود. علت نیز روشن است. اگر چه حقوق بشر در راه حفظ حیثیت ذاتی انسان، نوع بشر را اولویت می‌بخشد، حکومت نیز به عنوان مدافع حقوق اجتماع و حافظ دوام دولت در بسیاری از موارد محدود شدن اجرای حقوق بشر را لازم می‌بیند.

اما این محدودیتهای قانونی را منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و احترام لازم به حقوق و آزادی دیگران و رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی در یک جامعه دموکراتیک ممکن است برقرار کرد. از این جهت است که در ماده ۱۸ (بند ۳) میثاق حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و ماده ۹ (بند ۲) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به دولتهای عضو اجازه داده شده است که آزادی ابراز مذهب را تابع محدودیتهایی قرار دهند.

⁵⁴ E/CN.4/2005/6, p. 19, para. 70.

در بررسی اسناد مذکور و رویه نهادهای نظارتی بر کنوانسیونهای حقوق بشری چند نکته مهم در خصوص اعمال محدودیتها به چشم می‌خورد:

۱- هر شخص حق دارد عقایدی داشته باشد و هیچکس را نمی‌توان مجبور کرد که از افکارش دست بردارد یا مذهب یا عقیده‌ای را قبول نماید. در نتیجه هیچگونه محدودیتی در مورد آزادی فکر، وجدان یا آزادی داشتن یا پذیرش یک عقیده یا مذهب مجاز نیست.

۲- آزادی ابراز مذهب یا عقیده می‌تواند به صورت فردی یا جمعی، بطور علنی یا در خفا اعمال شود. نمایش سمبلهای مذهبی از جمله استفاده از حجاب اسلامی نوعی ابراز مذهب محسوب می‌شود.

۳- اعمال محدودیتها در مورد آزادی ابراز مذهب تابع شرایطی است. شرایط مذکور صرفاً شرایط مندرج در مواد ۱۸ میثاق حقوق مدنی و سیاسی یا در مورد کشورهای اروپایی شرایط ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست. ضمن اینکه بر اساس مواد مذکور اعمال محدودیتها باید بر اساس قانون بوده و برای اهداف مشروع (امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران) ضرورت داشته باشد. در تفسیر قلمرو قیود محدودیتی مجاز، کشورهای عضو باید ضرورت حمایت از حقوق تضمین شده در اسناد حقوق بشری از جمله حق برابری و عدم تبعیض بر اساس زمینه‌های مشخص شده را مورد توجه قرار دهند. محدودیتهای تحمیل شده نباید به نحوی اعمال شود که حقوق مورد تضمین در ماده ۱۸ و ماده ۹ را پوچ و باطل سازد. این امر بویژه در خصوص دین مبین اسلام بسیار قابل توجه است، چرا که اسلام دین کاملی است که برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی بشر دارای احکام بوده و پیروان آن موظف به اطاعت در این زمینه‌ها هستند.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 1

2006-1

Articles

- The Pros and Cons on Iran's Nuclear Rights: From IAEA Board of Governors to UN Security Council
- Formation of Contract at Cyberspace
- Applicable Law in Air Transport: Study of Fokker 28 and C-130 Crashes
- Prohibition of Islamic Headscarf in Europe from Human Rights Law Perspective
- Reparation for Damages Caused to Iran by Illegal Attacks of USA to the Iranian Oil Platforms

Special Issue: Investment Law in Iran

- Critical Analysis of Securities and Stock Exchange Act (2005) and Its Effects on Iranian Capital Market
- Study of Trade Related Investment Measures Agreement (TRIMs) and Legal Effects of Iran Accession to It
- Legal Aspects of Transferring Technology via Foreign Investment
- Foreign Investment in Context of B.O.T. Contracts and the Iranian Foreign Investment Promotion and Protection Act
- Investment Compensation Scheme in EU Law

Critique and Presentation

- Expediency of the General Board of the Supreme Court in Referring Juvenile Delinquency to County Criminal Courts
- Legal Context of 1696 Security Council Resolution on Iran's Nuclear Programme
- Universal Monitoring on Compliance with Human Rights: From UN Human Rights Commission to Council of Human Rights



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study